ادامه یادداشت

توسعه ی روستایی با تسهیلات نمی شود ! حمایت می خواهد و برنامه !!

۱۴؛شناسایی و فعال کردن شرکت های مشاوره کارآفرینی جهت ارائه مشاوره های علمی و عملی برای صفر تا صد طرح به دریافت کننده گان تسهیلات

۱۵–ایجاد کمیته نظارتی مستقل از دستگاههای اجرایی طرح ها، جهت راستی آزمایی و ارائه گزارش ماهانه به استاندار

۱۶– همه آنچه در بالا آمد ؛ میسر نمی شود مگر با همکاری و همپوشانی همه دست اندر کاران و حمایت جدی و ضمانت خرید و پرداخت بهای منصفانه محصول نهایی تولید شده ؛ که به ادامه تولید و اشتغال پایدار بیانجامد.

آموزش درست و منطقی فنی و حرفه ای و مهارتهای کسب و کار باید درصدی جدی از اعتبار فوق را به خود اختصاص دهد .

نکته بسیار مهم و قابل توجه دیگر امنیت پایدار یکی از عوامل اصلی اشتغال پایدار می باشد .

در این خصوص پیشنهاد می شود بخشی از تسهیلات فوق به شهروندانی که به هر دلیل در زندانها بسر می برند و به دلیل مشکلات اقتصادی در بند هستند ؛ اختصاص پیدا کند .تا آن عزیزان به چرخه تولید ؛ اشتغال و زندگی عادی باز گردند.به امید آنکه شاهد امنیت و ایجاد اشتغال پایدار و بالا رفتن درآمد سرانه مردم شریف استان گلستان و ایران اسلامی باشیم .

دبیر خانه ی کشاورز گرگان

خبر

کتاب زندگی نامه پرویز کیانی رونمایی شد

کتاب «شاه ماهی خزر» زندگی نامه پرویز کیانی اسطوره گرگانی شنای ایران به کوشش بهنام نیک پیام رونمایی شد. به گزارش مهر، آئین رونمایی از کتاب «شاه ماهی خزر» زندگی نامه پرویز کیانی اسطوره گرگانی شنای ایران به کوشش بهنام نیک پیام، شامگاه شنبه با حضور خانواده پرویز کیانی و برخی از مسئولان استانی و شهرستانی در موسسه فرهنگی میرداماد گرگان رونمایی شد. نویسنده کتاب شاه ماهی خزر در این مراسم اظهار کرد: من سال ۷۰ نویسندگی و خبرنگاری در حوزه ورزش را آغاز کردم و سال ۷۱ گفتگویی با پرویز کیانی با عنوان شاه ماهی خزر در صدد رفتن به مثلث برمودا انجام دادم. بهنام نیک پیام افزود: متاسفانه سه ماه پس از گفتگوی بنده با پرویز کیانی، ایشان فوت کردند و مطلبی با عنوان شاه ماهی خزر به مثلث برمودا نرسید تهیه کردم. وی ادامه داد: پس از این اتفاقات و فوت پرویز کیانی به این فکر افتادم که این انسان بزرگ چرا باید در شهر خودش غریب باشد. نویسنده کتاب شاه ماهی خزر با بیان اینکه باید یاد بگیریم همدیگر را تقویت کنیم، تصریح کرد: سال ۹۲ به سراغ خانواده کیانی رفتم و از آنها خواستم برای نوشتن کتاب زندگی نامه پرویز کیانی به من اعتماد کنند. نیک پیام اضافه کرد: خانواده کیانی از این پیشنهاد من استقبال کردند و شورای شهر وقت هم قولهایی داد که البته به آنها عمل نکرد. وی یادآور شد: در این مسیر احساس کردم تعدادی از مسئولان کنار ما نیستند اما به همراه دوست خوبم مهدی بهرامی سعی کردیم راه خودمان را ادامه دهیم. نیک پیام افزود: سال ۹۴ کتاب شاه ماهی خزر را تمام کردیم و حدود دو سال ویرایش و چاپ آن زمان برد و آقای ابوالفضل تجری حمایت‌های مالی آن را بر عهده گرفت. وی در پایان گفت: کتاب شاه ماهی خزر زندگی نامه پرویز کیانی را به تمام کسانی که قلبشان برای گرگان می‌تپد تقدیم می‌کنم. در این مراسم همسر پرویز کیانی ضمن تشکر از گردآورندگان کتاب شاه ماهی خزر، از مسئولان شهرداری و شورای شهر گرگان به دلیل رسیدگی نکردن به مقبره پرویز کیانی در امامزاده عبدالله گرگان گلایه کرد. همچنین در این مراسم عطاالله صفرپور هنرپیشه گرگانی خاطراتی از دوران دوستی خود با پرویز کیانی تعریف کرد که بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

مفقودی

پروانه وکالت به شماره ۴۱۰ متعلق به هادی شیرازی (وکیل پایه یک دادگستری) فرزند ابراهیم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

توسعه همراه با مشارکت بانوان در اقتصاد

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی در اکثر کشورهای جهان میزان مشارکت اقتصادی بانوان است علت آنکه در سال‌های اخیر در توسعه صنعت رقابت‌پذیر در کشور شاهد موفقیتی نبودیم عدم مشارکت نیمی از جمعیت توانمند جامعه یعنی بانوان در فعالیت‌های اقتصادی بوده است. به گزارش فارس، اگر چه تا چند سال گذشته از منابعی همچون نفت، گاز، معادن و... به عنوان منابع سرمایه‌ای و ایجاد ثروت در کشورهای مختلف یاد می‌شد اما امروزه این اصل مدیریتی که نیروی انسانی به عنوان مهمترین سرمایه کشورها محسوب می‌شود در اکثر کشورهای توسعه‌یافته پذیرفته شده است. در این میان مشارکت اقتصادی زنان در فعالیت‌های اقتصادی به عنوان افرادی که حدود نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند می‌تواند نقش مهمی در فضای کسب و کار و رشد اقتصادی در جوامع مختلف ایفا کند. نرخ مشارکت اقتصادی نشان‌دهنده میزان استفاده از جمعیت در سنین کار در هر اقتصادی است، براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت اقتصادی مردان در کشورمان ۶۳ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۴ درصد اعلام شد در حالیکه در اکثر کشورهای توسعه‌یافته جهان نرخ مشارکت اقتصادی بیش از ۶۰ درصد است اما در کشور ما این عدد به ۴۲ درصد می‌رسد در واقع یکی از دلایل نامناسب بودن نرخ مشارکت اقتصادی در ایران فاصله بسیار زیاد این نرخ میان زنان و مردان است. تنوع اقوام در گلستان موجب پدید آمدن تنوع صنایع دستی موجود در این استان شده است در واقع صنایع دستی تولید شده در گلستان توسط بانوان می‌تواند بخش اعظمی از بازار نه تنها در کشورمان بلکه در سطح جهان را به خود اختصاص دهد و از سویی موجب بالا رفتن نرخ مشارکت اقتصادی بانوان شود اما واقعیت این است اکثر فعالیت این زنان در جایی ثبت نمی‌شود چرا که اکثر این زنان فعالیت‌های اقتصادی خود را در خانه‌های خود انجام می‌دهند و از حمایت‌هایی از جمله بیمه، تسهیلات بانکی، عدم مکان مناسب برای فروش محصولات خود برخوردار نیستند، بنابراین اگر چه این بانوان در تولید محصولات نقش مهمی ایفا می‌کنند اما عملاً به دلیل ناقص بودن چرخه تولید تا فروش فعالیت اقتصادی آنها در جایی ثبت نشده و می‌توان گفت سهمی در مشارکت اقتصادی کشور ندارند. با این وجود رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان معتقد است در شرایط کنونی با فرهنگ‌سازی و اولویت اشتغال به بانوان در واحدهای تولیدی می‌توان نرخ مشارکت اقتصادی بانوان را در کشور و به تبع آن در گلستان افزایش داد. حسینقلی قوانلو اظهار کرد: در پنج سال اخیر شاهد افزایش نرخ مشارکت بانوان در کشور هستیم و پیش‌بینی می‌شود مشارکت اقتصادی در کشور با حضور بانوان به بالای ۴۴ درصد برسد. وی تصریح کرد: اگر چه هدف‌گذاری دولت واگذاری ۳۰ درصد از مشاغل مدیریتی به بانوان است اما در حال حاضر شرایط آن در کشور فراهم نیست چرا که لازم است بانوان آموزش‌های لازم را سپری و روحیه خودباوری را نیز در خود تقویت کنند. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان خاطرنشان کرد: باید قانون، حمایت‌ها و امتیازاتی را برای ارائه تسهیلات به بانوان در نظر داشته باشد و برنامه و آموزش‌های لازم برای توانمندسازی و آموزش احراز پست‌های مدیریتی برای بانوان در دستور کار مسوولان قرار گرفته شود. قوانلو ابراز کرد: به دلیل کامل نبودن چرخه تولید تا فروش بسیاری از بانوان برای فروش محصولات خود با مشکل مواجه هستند از این رو لازم است با تعامل دستگاههای مختلف نسبت به برگزاری نمایشگاه دائمی برای عرضه محصولات اقدام کرد تا عدم تناسب بین آموزش‌های مهارتی با بازار کار، مهمترین علت پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی بانوان از سویی دیگر یک کارشناس اقتصادی استفاده از ظرفیت بانوان در فعالیت‌های اقتصادی را یک فرصت عنوان کرد و گفت: متأسفانه هنوز دیدگاهی اشتباه مبنی بر اینکه ورود بانوان با بازارهای اقتصادی یک خطر محسوب می‌شود در کشور ما وجود دارد و گاهی اوقات از سوی برخی مسوولان طراز بالا نیز مطرح می‌شود در حالیکه امروزه اکثر کشورهای توسعه‌یافته استفاده از ظرفیت بانوان در فعالیت‌های اقتصادی را یک فرصت برای اقتصاد خود می‌دانند. راضیه مفتاح تصریح کرد: عواملی همچون روند رو به صعودی اشتغال ناقص در گلستان، رکود فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی به فرهنگ مصرفی و ضعیف بودن فرهنگ تولید موجب شده تا در سال‌های اخیر نرخ مشارکت اقتصادی در استان از وضعیت مطلوبی برخوردار نباشد، معمولاً نرخ مشارکت اقتصادی در گلستان زیر ۴۰ درصد می‌باشد که از این نرخ بیشتر آن مربوط به مردان و حدود ۱۴ درصد نرخ مشارکت اقتصادی در گلستان مربوط به زنان است. وی ادامه داد: فصلی بودن مهمترین بخش اقتصادی یعنی کشاورزی در گلستان موجب شده تا این استان بالاترین نرخ اشتغال ناقص در کشور را به خود اختصاص دهد و ظرفیت سایر بخش‌ها همچون گردشگری، اکوتوریسم، توریسم ورزشی و سلامت مغفول واقع شود. کارشناس اقتصادی در استان، یکی از دلایل پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی بانوان را عدم تناسب بین آموزش‌های مهارتی با بازار کار عنوان کرد و گفت: عدم دسترسی بانوان به اطلاعات بازار کار و تجزیه و تحلیل وضعیت تحرک کار موجب کاهش مشارکت اقتصادی بانوان شده است در واقع با آموزش، هدایتگری و اطلاع‌رسانی مراجع ذیربط می‌توان بخشی از مشکلات در این حوزه را رفع کرد. مفتاح بیان کرد: امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته از زنان به عنوان منبع توسعه یاد می‌کنند بنابراین نمی‌توان بدون جلب مشارکت این گروه به توسعه دست یافت. وی گفت: آموزش، ارائه تسهیلات، جهت‌دهی تسهیلات مشاغل خرد خانگی به سوی شرکت‌های پشتیبان که در واقع مسوولیت هدایت و حمایت تعدادی از کسب و کارهای خانگی و خرد را به صورت شبکه‌ای و زنجیره‌ای تأمین، تولید و توزیع به عهده دارد می‌تواند بخش مهمی از مشکلات در حوزه مشاغل خانگی که البته بیشترین دریافت‌کنندگان تسهیلات در این بخش را بانوان تشکیل می‌دهند را رفع کند. براساس این گزارش یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی در اکثر کشورهای جهان میزان مشارکت اقتصادی بانوان است علت آنکه در سال‌های اخیر در توسعه صنعت رقابت‌پذیر در کشور شاهد موفقیتی نبودیم عدم مشارکت نیمی از جمعیت توانمند جامعه یعنی بانوان در فعالیت‌های اقتصادی بوده است اگر چه بانوان ایرانی در تولید بسیاری از محصولات از جمله صنایع دستی نقش بسیاری مهمی را ایفا می‌کنند اما به دلیل عدم حمایت‌های مناسب در زمینه تسهیلات، بازاریابی، بیمه و ... فعالیت آنها به عنوان یک فعالیت اقتصادی که البته در نرخ مشارکت اقتصادی نیز تأثیرگذار است محسوب نمی‌شود، امید است با ارائه آموزش و تسهیلات مناسب حضور بانوان در فعالیت‌های اقتصادی کشور بیش از گذشته تثبیت شود.

فارغ التحصیلان دانشگاهی در گلستان تسهیلات کم بهره دریافت می کنند

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: برای رفع مشکلات بیکاری جوانان به تحصیل کردگان دانشگاهی تسهیلات کم بهره اعطا می‌شود. به گزارش مهر، به نقل از روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، سعید مازندرانی با بیان اینکه نرخ بیکاری فارغ التحصیلان در گلستان ۱۸،۵ درصد است، اظهار کرد: دفتر اشتغال و کارآفرینی یکی از فعالان عرصه اشتغال در بخش دانشگاهی و ارتباط با بخش های صنعت و اشتغال است که در دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان علی آباد کتول راه اندازی شده است. وی افزود: در راستای کاهش نرخ بیکاری در استان، دانشجویان و فارغ التحصیلان دارای ایده ها و نوآوری های کارآفرینانه، می توانند جهت اجرای طرح های خود تسهیلاتی با بهره پایین دریافت کنند.مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی گلستان افزود: در حال حاضر تسهیلات مناسبی با نرخ بسیار پایین برای این استان در نظر گرفته شده که در نظر داریم بخشی از این تسهیلات را در اختیار دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دارای ایده‌ها و نوآوری‌های کارآفرینانه قرار دهیم تا در زمینه کاهش نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی قدم‌های مثبتی برداشته شود. مازندرانی ادامه داد: اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان هم در زمینه ارایه تسهیلات، کمک های قانونی، آموزشی و دیگر موارد، از این کارآفرینان جوان، فارغ التحصیلان و دانشجویان حمایت خواهد کرد. وی با اشاره به تحصیل بیش از ۲۰۰ دانشجوی دکتری در حوزه کسب و کار و کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، گفت: با این پتانسیل می توانیم بخش های مختلف اقتصادی استان را متحول کرده و اشتغال مناسبی ایجاد کنیم. مازندرانی با بیان اینکه دولت برای استان گلستان ۲۰ هزار شغل در نظر گرفته است، تاکید کرد: با حمایت های مختلفی که وجود دارد، می توانیم بخش مهمی از این سهم اشتغال را در بحث دانشگاه و دانشجویان شکل دهیم.

۲هزار تبعه خارجی ساکن گلستان از بیمه سلامت بهره مند هستند

رییس اداره بیمه گری و درآمد اداره کل بیمه سلامت گلستان گفت: حدود ۲ هزار تبعه خارجی ساکن در استان با دریافت دفترچه های بیمه سلامت، از خدمات درمانی در این بخش بهره هستند. رسول خزینی در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: بیشتر این افراد را اتباع کشور افغانستان تشکیل می دهند که با دریافت دفترچه بیمه سلامت همانند مردم ایران خدمات مورد نیاز درمانی و پزشکی را دریافت می کنند. وی به آمار بیمه شدگان گلستانی اشاره کرد و گفت: هم اینک بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار شهروند استان زیر پوشش انواع بیمه هستند که در این میان بیمه شدگان روستایی با ۹۲۸ هزار نفر بیشترین و بیمه سلامت ایرانیان با ۱۸۰ نفر دارای کمترین تعداد بیمه شده است. رییس اداره بیمه گری و درآمد اداره کل بیمه سلامت گلستان در ادامه به تغییرات جدید در بیمه سلامت اشاره کرد و گفت: از ابتدای اردیبهشت ماه امسال مقرر شد کسانی که دفترچه بیمه سلامت دارند، فقط از خدمات درمانی مراکز درمانی بخش دولتی بهره مند باشند. خزینی ادامه داد: افراد زیر پوشش بیمه همگانی سلامت می توانند با مراجعه به مراکز دولتی از جمله کلینیک های ویژه علوم پزشکی، بیمارستان های دولتی، مراکز بهداشتی و درمانی از خدمات بیمه سلامت بهره مند شوند. وی گفت: با مصوبه هیات دولت نحوه خدمات دهی به بیمه شدگان طرح پوشش رایگان بیمه سلامت دچار تغییراتی شده و به دریافت خدمات از بیمارستان ها و مراکز دولتی محدود شده است. به گفته وی، از این پس دریافت خدمات درمانی در مطب های خصوصی، داروخانه های غیردولتی و بیمارستان های خصوصی مشمول پوشش بیمه سلامت نیست. وی اظهارکرد: کسانی که تاکنون عضو هیچ شرکت بیمه گر نبوده و می خواهند از خدمات بیمه دولتی استفاده کنند از این پس و با پرداخت ماهانه ۲۰۰ هزار ریال عضو بیمه سلامت ایرانیان شده و از خدمات تمامی مراکز دولتی و خصوصی با پرداخت تعرفه های بیمه ای استفاده کنند. به گزارش ایرنا برای نخستین بار در دولت یازدهم پوشش بیمه همگانی سلامت به شکل رایگان برای آحاد جامعه و بخصوص افراد آسیب پذیر و ساکن در حاشیه شهرها، اجرا شد. پیش از این همه دارندگان دفترچه های بیمه سلامت می توانستند از خدمات همه مراکز استفاده کنند اما از اول اردیبهشت ماه امسال این چتر حمایتی جمع تر و ارائه خدئمات به دارندگان این دفترچه ها محدود به مراکز درمانی دولتی و دانشگاهی شده است.

شرکت چینی آماده سرمایه‌گذاری ۴۵۰ میلیون دلاری در گلستان

مدیرعامل شرکت شهرک های صنعتی گلستان از آمادگی یک شرکت چینی برای سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیون دلاری در منطقه ویژه اقتصادی گلستان(اترک) خبر داد. به گزارش تسنیم، به‌نقل از روابط‌عمومی شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان، حجت‌اله خلیل‌زاده در نشست با سرمایه گذاران چینی اظهار داشت: این سرمایه گذاری در ۳ فاز به مساحت ۳۰ هکتار در منطقه ویژه اقتصادی گلستان ایجاد خواهد شد. وی با اشاره به اینکه براساس اعلام سرمایه گذار چینی، عمده محصولات تولیدی این واحد صنعتی، صادراتی خواهد بود ادامه داد: این سرمایه‌گذاری در زمینه تولید فرآورده‌های معدنی استرانسیوم نظیر کربنات و نیترات استرانسیوم است. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان از آمادگی کامل این شرکت در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه ویژه اقتصادی اترک با تامین امکانات زیربنایی خبر داد و گفت: شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان، همه امکانات و تلاش‌های خود را برای استقرار این واحد تولیدی در منطقه ویژه اقتصادی به کار خواهد گرفت. همجواری با مرز اینچه برون، نزدیکی به ایستگاه راه آهن قزاقستان، ایران، فرودگاه بین‌المللی گرگان و قرار داشتن در کریدور شمال جنوب و نزدیکی به کشورهای sis از مهم‌ترین مزایای منطقه ویژه اقتصادی گلستان(اترک) است.

محکوم به قصاص در گرگان از چوبه دار رهایی یافت

رئیس زندان گرگان گفت: فردی که به جرم قتل مدت ۹ سال در زندان گرگان حبس بود، با اعلام رضایت از سوی خانواده مقتول از اعدام رهایی یافت. فرزین گرگانی در گفتگو با مهر اظهار کرد: فردی به جرم قتل مدت ۹ سال در زندان گرگان حبس بود که با بخشش خانواده مقتول از اعدام رهایی یافت. وی افزود: این قتل با درگیری طرفین اتفاق افتاده بود و امروز با اعلام رضایت از سوی خانواده مقتول از قصاص رهایی یافت. وی با اشاره به اینکه انگیزه قتل از قبل وجود نداشت، افزود: این اتفاق در یک مشاجره لفظی به دلیل کرایه تاکسی رخ داد که منجر به درگیری شد و مقتول به دلیل صدمه زیاد به قتل رسید. رئیس زندان گرگان گفت: اکنون با پیگیری‌هایی که شورای حل اختلاف زندان گرگان داشته است توانستیم رضایت را از شاکیان بگیریم و زمینه آزادی این زندانی را فراهم کنیم. وی تصریح کرد: در برخی از قتل‌ها به دلیل زورگویی، تظاهر و تجاوز رخ می‌دهد با خود آسیب‌های همچون آزرده شدن روح مردم را به همراه دارد که ما در این بخش برای گرفتن رضایت از شکات ورود پیدا نخواهیم کرد. گرگانی با اشاره به اینکه از ابتدای سال جاری تاکنون تعداد ۷۳۷ مورد پرونده برای اخذ رضایت به شورای حل اختلاف زندان گرگان فرستاده شده بود، اظهار کرد: از این تعداد ۶ مورد مرتبط با جرائم قصاص نفس بود که با موفقیت انجام شد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای رسول احمدی فر فرزند علی به شماره شناسنامه ۶۶۲۰ کدملی ۳۶۲۰۳۳۵۵۸۳ صادره از زاهدان با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده به شماره رمز تصدیق ۴۱۱۷۳۷ و شناسه یکتا ۱۳۹۶۰۲۱۵۱۷۰۵۳۵ توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۷ گرگان طی درخواست وارده شماره ۲۳۵۷۷ ـ ۹۶/۸/۳۰ با اعلام اینکه سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بمساحت ۱۴۴،۸۰ مترمربع با کسر سهام موقوفه عام عرصه مذکور و دارای پلاک شماره ۳۹۰ فرعی از ۸۳ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت گرگان ذیل ثبت ۴۸۳۹۴ صفحه ۲۲۹ دفتر ۳۳۷ املاک بنام متقاضی فوق ثبت و با شماره چاپی ۹۹۹۱۲ صادر و تسلیم گردیده است که سند مذکور به علت جابجایی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) مراتب در یک نوبت آگهی می¬شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۰۸ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای شکراله تازیکی بالا جلینی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۲ صادره از گرگان دارای شماره ملی ۲۱۲۲۰۱۹۸۷۵ با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده توسط کلانتری جلین طی درخواست شماره ۲۱۷۴۳ ـ ۹۶/۹/۷ ادعا نموده اند که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بمساحت ۱۵۳،۹۸ مترمربع پلاک ۱۲۸۲ فرعی از ۱۷ واقع در بخش ۳ گرگان بنام آقای عباسعلی رحیمی(سند دفترچه ای) به شماره چاپی ۳۹۹۷۲۳ به نسبت ششدانگ پلاک فوق صادر و تسلیم گردیده است که بعلت سرقت مفقود گردیده است که بموجب سند قطعی شماره ۴۴۲۷۴ مورخ ۱۳۹۶/۸/۶ دفترخانه ۴۳ گرگان به آقای شکراله بالاجلینی انتقال گردیده و در رهن و بازداشت نمی باشد تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده اند لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می¬شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۲۴ م الف

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

عبدالرضا دادبود شهردار منتخب شورای شهر گرگان شد

سخنگوی شورای اسلامی شهر گرگان گفت: منتخبان پنجمین دوره شورای اسلامی شهر گرگان، عبدالرضا دادبود را به عنوان شهردار جدید انتخاب کردند. حسین ربیعی در گفتگو با مهر اظهار کرد: در جلسه غیرعلنی شورای شهر گرگان که شامگاه شنبه (۱۸ آذر) برگزار شد، عبدالرضا دادبود با هفت رأی به عنوان شهردار گرگان انتخاب شد. از سوابق دادبود می توان به مدیریت دفتر برنامه و بودجه دانشگاه آزاد قائمشهر، مدیریت دفتر طرح و برنامه دانشگاه آزاد قائمشهر، مدیریت امور عمران دانشگاه آزاد قائمشهر، مدیریت دفتر فنی استانداری مازندران و معاونت عمران استانداری گلستان اشاره کرد. بعد از عزل حسین صادقلو، اعضای شورا سیدمحمدعلی ثابت قدم را به عنوان شهردار گرگان معرفی کردند که وزارت کشور صلاحیت وی را رد کرد و هم اکنون شهرداری گرگان با سرپرست اداره می شود.

نخستین ناشر فرهنگ عمومی ترکمن در گلستان درگذشت

حاج مراد وردی قاضی نخستین ناشر فرهنگ عمومی ترکمن در گلستان درگذشت. به گزارش مهر، استاد حاج مراد وردی قاضی نخستین ناشر فرهنگ عمومی ترکمن عصر جمعه در سن ۹۰ سالگی دار فانی را وداع گفت. وی خادم و ناشر دیوان مختومقلی فراغی و همچنین دارنده مدال بین المللی مختومقلی‌بود.

شورای راهبردی جوانان گلستان تشکیل می شود

استاندار گلستان از تشکیل شورای راهبردی جوانان خبر داد و گفت: این شورا وظیفه سیاستگذاری داشته و باید نمایندگان حوزه های مختلف روستایی، مناطق محروم، شهری، حزبی، کارآفرینی و بانوان استان در آن عضو باشند. به گزارش ایرنا از استانداری، سید مناف هاشمی در دیدار با روسا و معاونان ستاد جوانان استان و شهرستانهای دکتر روحانی در انتخابات، ضمن تبریک روز دانشجو به تمامی دانشجویان و جوانان اظهارکرد: تشکیل شورای راهبردی جوانان با همکاری حوزه مشاوران جوان تلاش در جهت هم افزایی برای کاهش بیکاری و افزایش اشتغال این قشر است. وی با بیان اینکه مشکلات و موانع داخلی و خارجی مانع از اجرای دقیق سیاست های دولت شده است، اضافه کرد: دولت تلاش می کند با تمام توان در ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی موثر عمل نماید و با تدبیر دولت و ریاست جمهوری، کشور در وضعیت رو به توسعه ای قرار گرفته است. استاندار گلستان افزود: تلاش داریم با تهیه فهرستی از بانوان و جوانان فعال در دستگاه های اجرایی که شرایط ارتقا را دارند استفاده نماییم و از مدیران دستگاه های اجرایی خواسته شده که جوانان و بانوان شایسته در عرصه معاونت ها بکار گرفته شوند. هاشمی اضافه کرد: از جوانانی که در حوزه کارآفرینی و اشتغال ورود پیدا کنند حمایت های لازم تسهیلاتی صورت می پذیرد و مراجع اقتصادی جوانان را با آورده های کمتر نیز حمایت نمایند.

بهره برداری ازمجتمع فرهنگی و توانبخشی ایثارگران گلستان در سالجاری

مدیرکل راه و شهرسازی گلستان در بازدید از مجتمع فرهنگی و توانبخشی ایثارگران استان ضمن ارزیابی قراردادن روند اجرایی پروژه فوق از بهره برداری وافتتاح آن در سالجاری خبر داد. به گزارش روابط عمومی، حسین محبوبی گفت: پروژه در حال ساخت مجتمع فرهنگی و توانبخشی ایثارگران از پروژه های بزرگ در مقیاس استانی است که به لحاظ زیربنا و تاسیسات، ویژگی های خاص خود را دارد و به جهت عام المنفعه بودن و انتفاع ایثارگران و جانبازان عزیز از مزایای پروژه، برای تسریع در بهره برداری آن، این اداره کل احساس مسوولیت می کند.

کنکاشی در مجموعه شعر «لبریخته‌ها»ی یدالله رویایی

سریا داودی حموله ـ ما مقصد آب را نمی‌دانستیم / که آب / طولِ زیبایش را به ما نداد / اندام نهرها مدام / ورق می‌خورد / با توشه‌ای از نگاه و بی از دستَ / ما مست / ما مست / پیاده بر رطوبتِ روح / در ساقه‌های جست‌وخیز می‌ماندیم / و در ظرفِ دیگر آب / آن رابطه‌ی رونده پاهای پریدن را معنی می‌کرد. / «لبریخته‌ها» یدالله رویاییِ (متولّد ۱۳۱۱) شاعر و نظریه پردازی است که بدون تردید شاخص‌ترین چهره‌ی شعر حجم به شمار می رود.معمولا در سه محور «زیباشناختی»، «هرمنوتیک» و «زبان محوری» دست به ابتکار می‌زند و محوریت زبان را در برجستگی های «زبان، فرم، صدا» به نمایش می‌گذارد. «منِ» شاعر در سه گانه‌های «طبیعت، انسان، اشیاء» در تعامل و تبادل است. نگاه کُلاژوار شعر وابسته به مدلول‌های استعلایی است و مفاهیم «ما» دیگرانیم و «من» دیگریم از شاخصه های زبانی شعر وی به شمار می رود.«لبریخته‌ها» در مجموعه‌ی «لبریخته‌ها» (۱)

شاعر از همه‌ی ابعاد هستی برای دریافت‌های معنایی استفاده می‌کند، در تلاش است که به پرسش‌های بنیادین پاسخ دهد: «پیش از همه بگوییم که حجم گرایی یک مکتب نیست یک کشف است، کشف یک نوع تحرک ذهن و نوعی زندگی خیال، پس وقتی صحبت از کشف است یعنی این زندگی خیال وجود دارد و داشته است» (۲)با تلفیق معانی هستی شناسانه، به هم ارتباط پیدا می کنند و نقطه‌ی ادغام این دو محور گرانیگاه شعر خواهد بود:

ـ خمیازه از کدام پهلو رسم صحرا کرد / که کنار تو از سودا برتر شد / تا چشم‌های تو کفِ دستانم را / سکوی سکه کرد / در بذلِ مهربان تو / پهنای ماه دیگر شد. / «لبریخته‌ها»

تصاویر در محور متناقض نمایی(paradox) عمودی یا طولی است. زبان محوری، ناخودآگاهی و آشنایی‌زدایی‌های «لفظی ـ معنایی» بر جذابیت متن افزوده است. (۳)

شاعر برای ساده کردن مفاهیم پیچیده، لحن پرسش گری دارد. سطرها گاهی به کلمات قصار می‌مانند و یا به معما و چیستان شباهت دارند.

در خوانش نخست ساخت شکنی و ساخت‌مندی‌های «تراژیک ـ دراماتیک» مجهول هستند،اما با تأمل در خوانش‌های بعدی رابطه‌ی بین پدیده ها و پیچیدگی‌های زبانی نمایان می گردد.آن‌چنان که ساختار منسجم و مستحکم کلام بر دو محور هم‌نشینی و جانشینی استوار است:

ـ از تو می‌آید آن‌چه که منم / وقتی‌که تمام من می‌آید از آن‌چه تمام توست / من می‌روم از آن چه منم / و آن‌گاه چیزی ست / به مَن دوان می‌آید. / «لبریختَه‌ها»

شاعر با تمهیدات کلامی به استقلال زبانی دست یافته و تا آن‌جا پیش رفته است که شعر بدون تصویر را غیرممکن می داند. (۴)

در «لَبریخته‌ها» شعر دو چهره دارد، چهره‌ی ظاهر و قراردادی و چهره‌ی دریافت ساختارهای معنایی... کلمه در ترکیب‌های مختلط طیفی از مدلول‌ها را در خود پنهان دارد (۵) که این پاره ـ لایه‌ها مثل رشته‌های عصبی در سراسر متن کشیده شده‌اند:ـ کنار تو تغییر فصل / کنار تو دلیل / کنار تو دلیل‌های تغییر / به‌هم می‌خورد آرامش کنارهای تو، تغییر دلیل‌های دیگر می‌گیرد. / «لبریخته‌ها»

رویایی در چینش کلمات نهایت دقت و ظرافت را به خرج می دهد،معمولا با تلفیق سطرهای دفع و جذبی، روایت‌های استعاری زبان را مخفی می‌کند: «تصویر وقتی می‌خواهد حجمی (espacement–ale)باشد، حرکت می‌کند و فقط می‌تواند در یک فضای سه بعدی به حرکت درآید. پس قرینه‌سازی‌ها می‌تواند در یک فضای سه بعدی به حرکت درآید.» (۶)

فضای ساخت‌مند شعرها متشکل از انگاره‌های زیباشناسانه ی «عین ـ ذهن» است:

ـ همسایگی تو در جایی / جایی دیگر برای فاصله می‌گذارد / وقتی کنار، معنیِ دیگر می‌گیرد / افشان در متنِ جاهای دیگر / از تو دیگر تر می‌مانم / می‌مانم با تو / با توَ معنای دیگر می‌گیرم / در جایی که جایی در متنِ توست. / «لبریخته‌ها» شاعر با توسل به عقل انتقادی شعر را جلو می‌برد . کارکردهای پیچیده زبانی در ابعاد ساختاری ـ معنایی، نوعی دیالکتیک فرا شخصی در محور هم‌نشینی (ترکیبات کلمات) است که پدیده‌های مادی یا با هم پیوند دارند یا به‌واسطه ی به هم ربط پیدا می‌کنند. نحو شکنی زبان فرمی و پرهیز از کلی‌نگری از دغدغه‌های ساختار زبانی این گونه ی شعر به شمار می رود. قرائت دیگرگونه‌ای از «انسان ـ طبیعت» و «عشق ـ مرگ» که از مظاهر دینامیک و طبیعی مثل دریا، باد، باران و عناصر زیست‌محیطی بهره می‌گیرد.

در این وضعیت بن مایه های «حضور ـ غایب» و «زمان ـ مکان» متاثر از پدیده های هستی است:

ـ من بگذرم اگر تو بمانی / از ماندنِ تو می‌گذرم / تو در گذشتنِ من بنشین / تا از خیال بگذرم / ای یال / ای خیال برَ شانه‌های من! / «لبریخته‌ها»

ساختار «شعر ـ موسیقی» مبتنی بر تعلیق، لایه‌های ضمنی، شگردهای زبانی و تعدیل‌های ساختاری است: «حجم یک فاصله‌ی فضایی است، یک تکه فضا، فضایی که بین واقعیتی که به‌عنوان سکو است و ماوراء واقعیت وجود دارد، لااقل از این‌جا باهم تفاهم داریم که شعر دیگر توصیف و شرح واقعیت نیست.»(۷)

در شعرهای رویایی ساختار معنایی زیر نفوذ زبان است و انضباط ذهنی هم بسته‌ی دریافت‌های حسی می‌باشد، آن‌چنان که در این ایجازمندی‌های سهل و ممتنع، ساختار عمودی حضور پررنگی دارد.

ـ با غم خاک/ گاهی سرم به ماه می ماند/ و کاسه ی شکسته شکلِ سرانجام می شود۸۸۸ با غم خاک روزی/ برمی خیزم در باد/ و کرانه ای از تو به چرخ می برم./ «لبریخته‌ها»

گرچه شاعر مفهوم تازه ای از عینیت ها را در تقابل با ذهن نشان می دهد،اما اساس و شاخصه‌ی بازی های لفظی ،عناصر سوبژکتیو است که در این وضعیت دال‌ها، مدلول های متعددی را به ذهن متبادر می کنند:

ـ روبه‌روی تو من / وقت می‌شوم / می‌نشینم / روبه‌روی تو من / این‌جایم / من جایم. / «لبریخته‌ها» پیچیدگی‌های زبانی باعث التذاذ گوش می‌شود و بعضی پرسش‌های تکرار شونده تقابل‌های تناقضی و موقعیت‌هایی ناهمگون می‌آفرینند.

شعرِ رویایی شناسنامه‌دار است و امضاء و نامش بر پیشانی شعرِ «حجم» عجین شده است. «تقارن، تناسب، توازن» در جهت برجستگی‌های زبانی حرکت می‌کند. کلمات در ارتباط متقابل هم هستند و زبان چندلایه و بازی‌های زبانی ناشی از ساختارهای فرمی می‌باشد و تعلیق حاصل از آن هم پیوند گسست‌های لحظه‌ای است:

ـ با تو بهار / دیوانه‌ای ست / که از درخت بالا می‌رود / و می‌رود / تا باد / با باد / من از درخت / بالا می‌افتم. / «لبریخته‌ها»

یدالله رویایی با نخستین اثر یعنی «جاده‌های تهی»(۸)به هست‌مندی‌های شعری رسید و با «دوست دارم» و «دلتنگی‌ها» و «لبریخته‌ها» با شعری متفاوت و تأثیرگذار به میدان آمد و با ذهن خلاق و مبتکر حیات تاریخی شعرِ حجم را رقم زد و با نشر «هلاک عقل به وقت اندیشیدن» نظر منتقدان را به خود جَلب کرد.(۹)

شاعر با سه مؤلفه‌ی «تصویر، هارمونی، ایجاز» در «دریایی‌ها» به شعرها اعتبار مضافی افزود و با همین ذهنیت ساختاری در «لبریخته‌ها»، معیارهای «معنایی ـ فرمی» بسیاری را رقم زد: ـ با بادهای بیگانه/شن های من همه رفتند/ بیگانه شانه های بادهای دیگر را/ به کهکشان بردند/ ۸۸۸ شن های من/ به کهکشان هایی دیگر رفتند/ و کهکشانِ دود با بادهای بیگانه/شن های ظالمی آورند که/ جاهای پاهایم را/ با خواب هیچ قناتی نمی برند./ «لبریخته‌ها»

شعر

شعری از حبیب موسوی بی‌بالانی

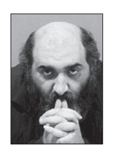

«بعد از مرگ»

بعداً بود که روز را فهمیدم
قبل از آن فقط محاصره بودم
اتاقی و تابوت‌هایی کوچک
که برای اعضای منهدمم می‌ساختم
از چوبِ درخت‌های قالی
بعداً بود که آفتاب روی لحظه‌ها افتاد
و من چشم‌هایم را بستم
به یاد بیاورم
وقتی مرا می‌بوسیدی
اعضای منهدمم چه‌قدر در تابوتشان حسودی
کردند

شعری از شهباز پویا

غروبِ دقایق
از فاصله‌ها که شباهتِ مکان دارند چگونه
می‌شود خانه‌ای ساخت و در غروبِ دقایق
قرار گرفت
چگونه در رگ‌های شناور قایق‌ام را به سمت
بی‌پایان‌برانم
قلبم را آماده کنم در بشقابی که طرحی از جنون
دارد
چنگال‌ها هنگامِ فُرو رفتن و طعمِ قلبم که روی
میز کافه می‌ریزدَ
کجَاست دری برای عبور؟
کجاست دریچهٔ قلبم؟
روزی در حیاط مدرسه برف می‌بارید
روزی هفت ساله بودم و پلاکِ خانه هفت بود
و رنگ اتاق‌ها سبز پسته‌ای
مادرم لحافی رویَ سرم کشید پاهام بیرون
لحاف خوابِ بیرون را می‌دیدند
به نظر اگر چِشم‌ها را از گذشته بیرون بکشی
روی میز کافه دریچهٔ قلبم را خواهند دید
و دری برای عبور پیدا خواهند کرد
به نظر غربت اگر نام یک پیراهنِ مردانه است
که زنی جای خانه پوَشیده
در این پیراهن
روزی در این مکان باران می‌بارد
گمان می‌داری در این خانه
گنجشکی از شاخه پَر زده
غروب رسیده
با دهانِ غمگین
زن لایِی در خانه ایستاده
که اما بشودَ در فرصتی
فاصله‌ها را یک‌جا ببلعد

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

ملکوت صادقی

سارا سعیدی– انتخاب بهرام صادقی به دلیل آمادگی ، استعداد و جوابدهی داستانهایش به رویکردهای منتقدانه ادبیات معاصر است، همین خصوصیات است که او را از هم دوره ای هایش در جنگ اصفهان و سایر نویسندگان فارسی جدا میکند.توجهاتی که صادقی به فرم روایت داستان دارد تقریبا بی سابقه است، طنز و فانتزی که اغلب در تمام آثارش به کار میگیرد و همچنین کاربرد افعال ، ترکیبات و توصیفاتی نامتداول در جایگاه نامناسب در متن داستانهایش که به تولید لحن و چند صدایی در آمده. گویا دکتر حسین عطار از دوستان نزدیک جوانی و دوران خدمت صادقی ، با خاص کردن آن دوران ، مطابقتهایی را با تاریخ روشنفکری ایران معاصر لحاظ کرده.متاسفانه این تحقیق را پیدا نکردم (مشتاقم چنانچه کسی سراغی دارد لطف کند و اطلاع دهد.) دیگرانی چون روح الله مهدی پور عمرانی، حمید عبدالهیان ، محمود نیک بخت و محمدرضا اصلانی و .... مولفه هایی را در داستانها یافته اند و با رویکرد جامعه شناسانه و روانکاوانه به بررسی نشانه ها و مطابقتها پرداخته اند. موضوع چند پایان نامه هم بررسی داستانهای صادقی بوده است. طنز یکی از آن عرصه های نپیموده داستان فارسی است که صادقی به خوبی دیده و از توان و امکان آن در جهت حرکت های قابل توجه در متن استفاده کرده ، در این داستانها ، مانند اغلب داستانهای فارسی، طنز به تمامی به خورد کنایه نمیرود ، دایما در حال طرح این مهم است که این داستانی است که من راوی دارم برای شما تعریف میکنم.بیش از هرچیز صادقی در داستانهای کوتاهش طنز را با بازی با موقعیت راوی ایجاد میکند و با عدم قطعیت در گزارش به آن دامن میزند:داستان «نمایش در دو پرده» مثال خوبی است برای این مورد که توضیحات راوی /نمایشنامه نویس گاه موقعیت را پیچیده تر و غیر یقینی تر میکند. متن در یک کلنجار دایمی بین نمایشنامه بودن و نبودن/شدن و نشدن است. در داستان» داستان برای کودکان»صادقی ساختار داستان کودکانه را به وجود می آورد: اسامی» اشی»، «مشی» و «میرزا سلیمان» :دو تای اولی هم آهنگند و سومی متفاوت و اضافه بر آن دو:»شنگول» و «منگول» و» حبه انگور» در سرنوشت و تمام کننده گی این نفر سوم قرار است متفاوت باشد،داستان با همان روزی روزگاری و ...شروع میشود و ...در ادامه صادقی با استفاده از زبانی غیرمتعارف در اینگونه داستانها آن سر راستی داستان کودکان را که برای پیام اخلاقی لازم و بایسته است مختل میکند ، گفتگوهای شفاف و تعیین کننده و در عین حال با مفاهیم ساده و پیش پا افتاده را با دوری از تسلسل و مهمل گویی مشکوک میکند. در داستان کوتاه»صراحت و قاطعیت»گفتگوها قرار است در فضایی از ابهام و سوء ظن برگزار شوند :خوب نشنیدن، خوب درک نکردن، نبودن نقطه ی اشتراکی برای شروع و ادامه گفتگو و ازین دست بین دو نفر «آقای x»و «آقای y» ...صادقی این خواست را حتی با انتخاب اسامی هم رعایت کرده اما به سمت تولید موقعیتهای کلامی متنوع ، افواهی و متکثر برای نشان دادن آن خلا فهم مشترک نمیرود . در «ملکوت «داستان بلند صادقی همین طنز و تخیل به سمت فانتزی میرود حرکتی که اگر نگوییم بی سابقه میتوان به جرات گفت شاید یکی دو مورد آنهم نه به این فراوانی در داستان نویسی ما سراغ بتوان داد. داستان که با یک گزاره قطعی شروع میشود در حالیکه موضوعش مربوط به مساله ای غیر یقینی و موهوم است و تا صفحات بعد پیرامونش طرح مساله میشود و نشانه ای دیگری از خود اتفاق با آنهمه قطعیت نداریم...شخصیت دکتری که گفته میشود از جنازه ها صابون میسازد و اتفاقهایی»عجیب و غریب»دیگر...

صادقی در داستانهای کوتاه نیز بیشتر از هر چیز دیگر به فرم و ساختارهای روایی میاندیشد، تجربه کردن هر آنچه متن و داستان برایش ممکن میکند ،از اساسی ترین خصوصیات کارهای صادقی است، از دیگر تکنیکهای داستانی وی با استفاده از واژگان نامتناسب با موقعیت از قبل تعیین شده است که لحن را تغییر میدهد و در فضای تمکین یافته گسست ایجاد میکند.صادقی به این اندیشیده که چیز قدرت یافته ی از قبل تعیین شده ای را در داستان میتوان بارها و بارها تخریب کرد و آن را با بزرگ کردن و مورد اشاره قرار دادنش انجام میدهد...در هر حال شاید فکر کردن به اینکه چطور و چگونه میشود با فرم و اشکال روایت موقعیتهای متنوع داستانی بوجود آورد صادقی را از اندیشیدن به نثر ، آنچنانکه مثلا در گلستان یا آل احمد موجب سبک و سیاقی متفاوت و خصوصی گردیده باز داشته است، صادقی در نثر به ویژه در ملکوت کمتر میتواند مورد توجه باشد ...با اینهمه در داستانهای کوتاه مجموعه «سنگر و قمقمه های خالی»بارها باداستفاده از لحن متفاوت ، در بستر کلامی نامناسب با استفاده از عبارات و واژگان متفاوت از بستر پی گرفته ی متن، زبان رایج را به بازی میگیرد اما این مساله بیشتر به خورد طنز در داستان رفته تا ایجاد یک سیاق نثری و ...نثر متفاوت و قابل توجه.

چرا ما قادر به دست کشیدن از نوشتن نیستیم؟

مازیار عارفانی ـ بگذارید اول به گفتگوی آرش اللهوردی و علی سطوتی‌قلعه با عنوان «سرچشمه‌های حادبیان‌گری» مورخ ۱۵ فروردین ۸۸ رجوع کنیم؛ جایی که گفتگو، با یک فرض پرسش‌گونه آغاز می‌شود: « چرا باید نوشت؟ و فراتر از آن، در چنین وضعیتی که لابد هر کس به شیوهی خودش آن را توضیح می‌دهد، چرا باید شعر نوشت؟ نقد ادبی همواره از پاسخ به چنین پرسشی طفره رفته و جای آن کوشیده است تا از چه‌گونه نوشتن حرف بزند.» [اللهوردی و سطوتی]

این سوال در نوع خود جالب و مهم است، یک سوال تاریخی قابل اعتنا، اما در پس آن و در ذیل توضیحات چرایی و چگونگی، خط و ربطش به کلی دچار پریشانی و سوءتفاهم است. اول؛ آنکه «چرایی» و «چگونگی»، دو فصل کاملن جدا از هم نیستند. هر نوع پاسخ نقد ادبی به شیوه‌های چگونه نوشتن، در کلیت خود پاسخی است به چراییِ نوشتن. بگذارید کمی در این باب بیشتر و ساده‌تر سخن بگوییم. همچنانکه نقد ادبی درباره‌ی چگونگی نوشتن در دوره‌ها و نحله‌های متفاوت حرف می‌زند، ناخودآگاه به افتراقات و دگرگونی‌های ادبی نیز می‌پردازد و بدون اینکه چنین رسالتی داشته باشد، نشان می‌دهد که از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر، چه چیزهایی و چگونه و برای چه تغییر کرده‌اند. درست است که نقد ادبی در حینِ پرداختن به یک اثر یا مجموعه‌ی محدودی از آثار، به لحاظ تکنیکی با آنها برخورد می‌کند، ولی با سایر گفتمان‌های موجود نیز وارد گفتگو شده و رابطه‌ی بینابینی برقرار می‌کند. یکی از جایگاه‌های معتبر (اگر اعتباری وجود داشته باشد) برای یافتنِ «چرایی» نوشتن و اینکه «چرا» در هر دوره‌ای باید نوشت، اتفاقن در همین فواصلی است که نقد ادبی میان متن امروز و دیروز به وجود می‌آورد، وضعیتی که می‌خواهد نشان دهد چگونه شعر امروز شکل می‌گیرد و چرا شاعر امروز مجبور است بنویسد و با نوشتار خود چه فواصلی را می‌تواند پر کند. بنابراین چگونگی و چرایی (نوشتن) دو چیز مجزا از هم نیستند و این فرض از پایه اشتباه است، و از طرف مقابل «چگونه نوشتن» نیز حدود و ثغور «چرا نوشتن؟» را معین می‌کند، زیرا این دو در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند و متضاد هم نیستند و هر چگونه نوشتنی که گونه‌ای جدید را به گونه‌های پیشین پیشنهاد دهد، پاسخ تازه‌ای است به چراییِ نوشتن و از آنجا که پاسخ نهایی و قطعی وجود ندارد، این چگونگی وَ چرایی همچنان ادامه خواهند یافت. [دوم] وقتی غبار اوهام جداسازی «چگونگی» و «چرایی» پس زده شد، سوالی اساسی‌تر، چون پُتکی بر سر توهم فرود خواهد آمد: «چرا نباید نوشت؟!» و «چرا نباید دست از نَوشتن کشید؟!»، این دو سوال نیز در چنین وضعیتی همانقدر واجد اعتبار است که سوال «چرا باید نوشت؟!» عملن به چنین سوالی در طی گفتگوی اللهوردی و سطوتی پاسخ داده نمی‌شود، کمااینکه سوال‌های بسیار دیگری نیز در همین گفتگو(ها) ابتر باقی می‌ماند. از همین روست که در گذر از یک سوال پیچیده به یک پاسخ نامشخص، به مسائلی از قبیل «از دست رفتن حیثیت سوژگانی شعر» یا «کاربردی شدن ادبیات» (آن هم تا سطح گرافیت شهری!) می‌رسیم و موضوع به ابتذال کشیده می‌شود. و یک نفر این میان پیدا نمی‌شود بگوید چرا این موقعیت انضمامی که شما از آن سخن می‌گویید، در برهه‌هایی بس اسفناکتر در همین تاریخ معاصر، در همین جهان صنعتی و سرمایه‌داری و هزار و یک کوفت و زهرمار دیگر، حتی پس از جنگ‌های مهیب و فروپاشی‌های عظیم و انقلاب‌های صنعتی، فرهنگی و سیاسی به وقوع نپیوست؟! و چرا و چگونه حالا و دقیقن همین حالا به این وضعیت دچار شده‌ایم؟! یا درست‌تر اینکه چرا شما وضعیت ادبیات را حالا اینگونه دیده‌اید؟! ماجرا خیلی ساده است و بنظرم بهتر است آن را پیچیده نکنیم؛ وقتی سطوتی می‌گوید: «هم خودِ نوشتن در شرایطی چنین، ابلهانه می‌نماید و هم رویارویی با چنین نوشتاری همچون سرنوشتی مقدر، ناامیدکننده است.» شک نکنید که با یک دروغ بزرگ مواجهید که نمی تواند نسبت نوشتار امروزش را با پیش از خود مشخص کند، مگر آنکه بپذیریم نوشتن و بالاخص نوشتن شعر در طول دوران بشریت، کلن کار ابلهانه‌ای بوده است! که در این صورت می‌توان پرسید چه کاری ابلهانه نبوده است؟! و فراتر از آن، اصلن چه کسی گفته ما نباید کار ابلهانه انجام دهیم؟! و حتی فراتر از آن، این بلاهت را چه چیزی معین می‌کند؟! و فراتر از آن، در وضعیتی که جز بلاهت چیزی وجود ندارد، توامان چیزی جز فرزانگی نیز وجود نخواهد داشت، مگر آنکه استثنایی قائل شویم که اینهمه را بخواهد افشا کند و صدالبته سطوتی هرگز چنین استثنایی قائل نشده است. و فراتر از همه‌ی اینها، آیا ما راهی جز نوشتن برای روبرو شدن با بلاهت داریم که به آن متوسل شویم یا خیر؟! و آیا جز از طریق نوشتن می‌توان به مواجهه یا حتی پایان دوران «اختگی» امید داشت یا که خیر؟! البته در وجود و سیطره‌ی این شرایط ناجور شکی نیست و در اینجا می‌توان با سطوتی و اللهوردی همدلی کرد، اما آنچه پاشا_شوهانی در صفحه «درگستره هفتاد» تبلیغ_یارکشی می‌کنند، آنچه باباچاهی در صفحه‌اش به عنوان نمونه آثار خوب می آورد، آنچه عبدالرضایی آن را در کالج شعر فرو می‌کند، آنچه کلی آدم ریز و درشت دیگر در آن می‌دمند، کارآمدترین قرائتی که دارد، برساختن «دوران اختگی» است. دورانی که کتاب «خطاب به پروانه ها» پس از قریب به ۲۵ سال هنوز بحث برانگیزترین کتاب فارسی است و «پاشا_شوهانی» هنوز دنبال راه انداختن دار و دسته اند و خیلی ها از دور خارج‌شده‌ها می‌خواهند به زور خودشان را با فیگور شاعر_منتقد به گفتمان دهه‌ی هفتاد بچسبانند. دورانی که حبیبی بدرآبادی و شمس آقاجانی و محمد آزرم و رزا جمالی و خیلی‌های دیگر هنوز دارند نان دهه هفتاد را میخورند و بر سفره‌ی نسل نو نشسته اند، بدون آنکه هیچکدام از ذیل تا صدر، در معرض نقد و نظر جدی قرار گیرند (فارغ از خط‌کشی‌ها و نسل‌بندی‌ها)، دورانی که امثال سطوتی و ایمانیان هم که به این فیگورها خرده می‌گیرند، دقیقن دنبال بازتولید چنین سیستمی در وضعیتی دیگر هستند، به‌عنوان نمونه‌ای می‌توان به نوشتار مشترکی از این دو گریز زد: «فیگورِ نجات‌بخش ادبیات ایران فیگور شاعر_منتقد، فیگورِ نویسنده_نظریه‌پرداز خواهد بود. ادبیات رادیکال، پیش از هر کرد_وکار بوتیقایی و «توضیحی » نیاز به مانیفست دارد: این گوی و این میدان...» [حسین ایمانیان (و علی سطوتی قلعه) | براهنی و شاگردانش | ناممکن]. اما سوال اساسی این است که آیا ما واقعن در دوران اختگی به سر می بریم؟! یا شاعرانِ این وضعیت، برای اثباتِ شاعریِ خود، محتاج ایجاد چنین وضعیتی هستند؟! برای پاسخ به این پرسش، مجبور به بررسی چندین وضعیت نامتناظر و مفهوم نامتناسب هستیم که همواره از تبیین و نگاه انتقادی شانه خالی کرده‌اند. بنابراین بهتر است گفتمان ادبی معاصر، به جای این حرف‌ها، اول از همه تکلیف خودش را با مفاهیمی همچون «شعر دهه هفتاد»، «شعر دیگر»، «موج نو»، «ساده نویسی» و... مشخص کند. به نظر می‌رسد ما هنوز نسبت خودمان را با این چیزها مشخص نکرده‌ایم. این باعث می‌شود که به شکل مضحکی، برخی از این مسائل ناگهان تبدیل به وضعیتی خارق‌العاده شوند که بدون رهگذر از وضعیت انتقادی، خود بدل به وضعیتی از شعر و شاعری شده‌اند. از همین روست که مجبورم دوباره برگردم روی بحث چرایی و چگونگی. واقعن چقدر روی «چگونگی» در نقد ادبی ما کار شده است؟! تلنبار کتاب‌های نادیده شده، شاعران مستعد عزلت نشین و عدم شکل گیری گفتگوهای مستمر و جدی، مگر مجالی برای تبیین و تشکیل «چگونگی» در شعر ایران باقی گذاشته است؟! اصلن ما از کدام چگونگی حرف می‌زنیم؟! ما چگونه از مشروطه به نیما، از نیما به اخوان و فروغ و شاملو و سپهری و رویایی و براهنی و از آنان به دهه هفتاد و سپس به امروز رسیدیم؟! این را آیا می‌شود فقط با بررسی ساز و کار متونی خاص، معین کرد؟! یا باید آن را در کنار سایر گفتمان‌ها قرار داد؟! اصلن مسئله‌ی «چگونگی» مسئله‌ای است که صرفن در مواجهه با یک متن حاصل می‌شود یا آن را می‌توان در طول یک دوران شعری نیز مورد مداقه قرار داد؟! از اینرو وقتی سطوتی می‌گوید: «این روزها بیش از هر زمان دیگری شعر نوشته و منتشر می‌شود. به همین میزان، حرف زدن درباره‌ی شعر دشوار شده است. این دشواری وقتی بیش‌تر احساس می‌شود که قرار باشد ما درباره‌ی یک قطعه‌ی شعر به نقد و بررسی بنشینیم.» و اللهوردی می‌گوید: «انگار معیارها به مرور کم‌ارزش شده‌اند. شاید قرار بوده معیارهای تازه‌تری پیدا شود که هنوز هیچ خبری از آنها نیست.» می‌شود این سوال را مطرح کرد که درباره کدام معیار صحبت می‌کنید؟ مگر تا پیش از این معیاری وجود داشته است که حالا یاس حاصل از عدم ظهور و بروز معیارهای جدید سر بر کرده باشد؟ مگرَ ما منتظر معیارهَای تازه‌ای بوده‌ایم؟ معیارهای کهنه کدامند؟ و آیا مگر معیاری جز تغییر و تحول چگونگی رسیدن از وضعیتی به وضعیت دیگر و تبعن تبیین چرایی نوشَتن در هر عصری وجود دارد؟ براستی وقتی این چگونگی‌ها را نیز مشخص نکرده ایم، و نسبت خود را با آنها دانستیم، می‌شود درباره چرایی اینکه «چرا آن شاعران پیش از ما نوشتند» و «چرا ما هنوز می‌نویسیم» اظهارنظر قاطعی داشت؟ مسلمن خیر. فقط این چگونه برخورد کردن ما با زبان شعر است که می‌تواند «چراییِ نوشتن» ما را مشخص کند و لاغیر. ما خودمان قادر به ارائه هیچ تعریفیِ خارج از این «نوشتن» نیستیم، تنها این متون ماست که می‌تواند در گذر از چگونگیِ نوشته شدنش مشخص کند که چرا ما می‌نویسیم و یا بهتر است بگوییم «چرا ما قادر به دست کشیدن از نوشتن نیستیم؟» همچنانکه البته می‌توان و باید بر این سوالِ «ویران_سازنده» پای فشرد که «چرا ما هنوزمی‌نویسیم؟».